

نامه‌های تجاری و اسناد
سلطان آباد عراق (اراک)

به کوشش
اسدالله عبدلی آشتیانی

انتشارات سفیر اردهال
تهران - ۱۳۹۳

سرشناسه	: عندلی آشتیانی، اسدالله، ۱۳۴۶
عنوان و نام پدیدآور	: نامه‌های تجاری و اسناد سلطان‌آباد عراق (اراک) / به کوشش اسدالله عبدالی آشتیانی، دبیر مجموعه بیگ‌باباپور
مشخصات نشر	: تهران سفیراردهال، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	: ۱۷۴ ص
فروست	: مجموعه اسناد ایرانی؛ ۱
شابک	: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۳۱۳ - ۱۷۵ - ۰ / ریال؛ ۱۲۰۰۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
موضوع	: نامه‌نگاری بازرگانی -- ایران -- اراک
موضوع	: نامه‌نگاری بازرگانی -- ایران -- قرن ۱۳ق
موضوع	: نامه‌های فارسی -- قرن ۱۳ق
موضوع	: اراک -- تاریخ -- قرن ۱۳ق -- اسناد و مدارک
نام‌های دیگر	: بیگ‌باباپور، یوسف، ۱۳۵۷
ردیف کتابخانه	: ۵۷۲۸ HF ۱۳۹۳ ۹۶۲ الف /
رده‌بندی دی‌ژن	: ۸۰۸/۰۶۶
شماره کتابشناسی	: ۳۴۹۹

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۳۱۳ - ۱۷۵ - ۰



انتشارات سفیر اردهال

تهران: خیابان مفتاح، خیابان سمیه، روبه روبرو بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴
 © حق چاپ: ۱۳۹۳، انتشارات سفیر اردهال www.safirardahal.ir

نامه‌های تجاری و اسناد سلطان‌آباد عراق (اراک)

به کوشش: اسدالله عبدالی آشتیانی

دبیر مجموعه: دکتر یوسف بیگ‌باباپور

از: مجموعه اسناد ایرانی / ۱

طراح جلد: بهناد شریفی مطلق

چاپ و صحافی: سفیر قلم

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۱۰ نسخه

شماره نشر: ۱-۳۳۱

بها: ۱۲۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.



خرد هر کجا گنجی آرد پدید به نام خدا سازد آن را کلید

اسناد یکی از ابزارهای تاریخ نگاری و منابع پژوهشی دست اول به شمار می آید که بسیار مفید، ناب و بکر است. از ویژگی های منحصر به فرد بودن آن تولید در بطن جامعه و مصون ماندن از دخیل و تصرف است. اسناد از تمام زوایای اجتماعی و فرهنگی پرده برداشته و پوشش لایه های پنهان و ناشناخته تاریخ محلی، روابط اجتماعی و مبادلات تجاری را نشان می دهد. نیز به صورت جزء به جزء اطلاعات فراوانی به محقق و تاریخ نگار می دهد.

در معنی سند تعاریف متفاوتی آورده اند. برخی آن را نوشته ای دانسته اند که به آن اعتماد کنند، وام یا طلب کسی را بر این سازد و یا مطلبی را ثابت کند. علامه دهخدا آن را تکیه گاه و آنچه بدان پشت کنند دانسته و محمد معین آن را نوشته ای که قابل استناد باشد خوانده است.

اسناد بخشی مهمی از هویت ملی و محلی ماست و بر پایه یکی تعریف کلی و جامع، اسناد تاریخی را که مهمترین اسناد پژوهشی هستند به چهار دسته: اسناد دیوانی، اسناد اخوانی، اسناد حقوقی و مالی، اسناد قضایی که شامل اسناد شرعی و عرفیست، تقسیم کرده اند.

مهمترین مشخصه سند آن است که دروغ و شائبه در آن وجود ندارد و عامل مهم پیدایش اثر و مؤثر و نشانگر رابطه دقیق علت و معلولیت حوادث و رویدادهاست. از این رو با پژوهش، پردازش و تحقیق در هر سندی به تاریخ نگاری مستند و عبرت آموز دست خواهیم یافت.

در اسناد با اسامی اماکن و اشخاص؛ اصطلاحات محلی و جغرافیایی؛ اصطلاحات شرعی و عرفی در ایقاعات؛ دادوستد؛ معاش؛ پوشش؛ پول ملی؛ رابطه مردم با مردم؛

رابطه مردم با دولت، آداب و سنن؛ مهرهای علماء و کاتبان، سجلات و... روبه‌رو هستیم که هر یک در نوع خود قابل تحقیق و مطالعه است. سند، موضوعی جدید آفریده و آن را مستند می‌سازد و ابتدا زمینه ساز نوشتن تاریخ محلی و در نهایت به تدوین تاریخ ملی کمک شایانی می‌کند؛ چراکه در بسیاری از مناطق که اسناد متعلق بدان است طی گذشت زمان شاهد دگرگونی و تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی بوده ایم و با بررسی اسناد هر منطقه به علل چگونگی این تحولات پی خواهیم برد. گذشته چراغ راه آینده است و حال و آینده بدون توجه به گذشته معنا مفهومی ندارد و بی شک این اسناد هستند که همچون پلی، گذشته را به آینده پیوند می‌دهند.

مجموعه کتابهای اسنادی پیش روی که عنوان "اسناد ایرانی" نام گرفته است؛ در قالب شرح تعریف شده ای آغاز و با تلاش دوستان فرهیخته ای در حوزه اسناد تاریخی به آید... دوستان گرانمایه ای که همواره دغدغه فرهنگی و تاریخی این اسناد را بعنوان یک مسئله مهمی از تاریخ و فرهنگ منطقه ای و محلی خود داشته و حفاظت از این میراث معنوی آن به اهل فن و پژوهشگران این حوزه را وظیفه ای سترگ دانسته اند. دست نکت این عزیزان و میراث بانان ارزشمند را می‌بوسیم و به آنها دست مریزاد و خسته نباشید می‌گوییم.

تلاش همه ما احیاء و حفظ میراث ارزشمند و گرانقدر گذشتگانمان و ثبت آن در حافظه تاریخ است و جای بسی افتخار و مباهات است که بتوانیم مجموعه اسناد دوستان را به زیور طبع بیاراییم.

شایسته است از دوست فاضل ارجمند جناب آقای سید حسین عابدینی مدیر محترم انتشارات سفیر اردهال که همواره در عرصه فرهنگ و معرفی اسناد و متون خطی خدمات ارزشمندی به جامعه علمی پژوهشی داشته اند و در به انجام رساندن این مهم یاری گر ما بودند، سپاسگزاری و قدردانی کنیم.

ایام عزت و سعادت مستدام باد!

دکتر یوسف بیگ باباپور

اسدالله عبدلی آشتیانی

تهران، اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و نود و سه شمسی



سخنی با خوانندگان

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

انتشارات سفیراردهال در نیمه دوم سال ۱۳۸۵ به ثبت رسید و از همان آغاز فعالیت خود را دو زمینه چاپ و نشر کتاب آغاز نمود. چاپ بیش از ۳۰۰ عنوان کتاب در موضوعات مختلف حاصل تلاش و این مدت بوده است.

معرفی و شناساندن فرهنگ و تمدن ایران عزیز و آثار نویسندگان و مترجمان گرامی از اهداف اصلی این انتشارات می باشد که به جمال روند فعالیت خود را از بدو تأسیس خدمت شما خواننده محترم توضیح می دهیم.

شروع فعالیت انتشارات با تکیه بر موضوعات مختلف و عمومی اعلام شد و با چاپ کتاب در زمینه های مختلف از آثار نویسندگان و مترجمان آغاز گردید.

ورزش، علوم سیاسی، مذهبی، روانشناسی، کودک و نوجوان، علمی، دانشگاهی، هنر، و طب سنتی موضوعاتی بودند که در چند سال اول عمر انتشارات به آن پرداخته شد و کتابهای ارزنده و قابل تأملی در این زمینه ها به چاپ رسید.

گنجینه فنون کشتی آزاد و فرنگی، فرهنگ جامع فلسطین در ۳ مجلد، راه بی بازگشت در ۳ مجلد، مجموعه حکمت کوچک در ۶ جلد، مجموعه ۵ جلدی هزار و یکشب، مجموعه انسان شناسی و فرهنگ، کار با گل، داروهای گیاهی سنتی ایران بخشی از کتابهایی هستند که در این مدت به چاپ رسیدند و با اقبال خوانندگان مواجه شدند.

حضور چندین دوره در نمایشگاههای بین‌المللی و داخلی از نمایشگاه کتاب فرانکفورت، نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و نمایشگاههای استانی و استفاده از نظر مخاطبان و دانستن نیازهای خوانندگان سیاست‌انشارات را به سوی تخصصی شدن در چاپ کتابها هدایت نمود.

استقبال خوب و قابل تأمل و بی‌نظیر خوانندگان در حوزه گیاههای دارویی و طب سنتی باعث شد تا فعالیت‌انشارات به این سمت سوق یابد و ما را در تولید کتاب و آثار فاخر در این زمینه دلگرم نماید.

با نگاهی به گذشته و فرهنگ غنی ایران عزیز، و علم به جایگاه ویژه طب سنتی در آثار گذشتگان و مشاهیر و حتی در فرهنگ اسلامی بر آن شدیم که به معرفی این نوع آثار و همچنین این مؤلفان بپردازیم.

قلمی فعالیت‌انشارات به طب اسلامی اختصاص داده شده و چاپ چندین اثر گرانبها در زمینه رانقلدر متخصص علوم تغذیه و گیاهان دارویی جناب دکتر دریائی حاصل شد. در این زمینه می‌باشد.

رساله ذهبیه، طب نبوی، طب الاثمه، آموزه‌های طبی و بهداشتی امام رضا (ع) از جمله آثاری است که در این حوزه به چاپ رسیده است.

تغذیه سالم و راهکارهای آن در موضوعات دیگری است که به آن پرداخته شده است. کتابهای معجزات درمانی غذائی و برقیات گیاهی و درمان بیماری‌ها با دمنوش‌ها و سردنوشهای گیاهی، ۱۳۶۵ هـ. ش. این غذاهای گیاهی ایرانی، معجزات درمانی و غذایی سیاه دانه و عسل نیز از دیگر کتابها است که در این زمینه به چاپ رسیده است.

اما به لحاظ استفاده از منابع خارجی و کتابهای علمی و پژوهشی در بخش ترجمه از وجود مترجمان عزیز همچون سرکار خانم امیر حسینی استفاده کردیم و چندین اثر شاخص و کاملاً علمی به چاپ رساندیم و موضوعات دیگری نیز در دست چاپ داریم. رایحه درمانی، درمان بیماریهای کودکان با گیاهان دارویی از جمله این آثار می‌باشند.

در بخش طب مکمل کتابهایی چون ماساژ پا، ماساژ آیورودیک، ماساژ با سنگ از جمله آثاری هستند که در این بخش توسط سرکار خانم یزدان پناه ترجمه و به چاپ رسیده است.

همکاری با ناشران حوزه نسخ خطی و متون و آشنائی با جناب آقای دکتر یوسف بیگ باباپور از سال ۱۳۹۱ باعث گردید تا بتوانیم در بخش نسخ خطی، متون کهن و طب سنتی و تاریخ پزشکی دوره اسلامی و معرفی بزرگان این رشته قدمهای بزرگی برداریم.

مجموعه بزرگ دوا و درمان در روزگاران کهن که به حدود ۴۰ عنوان رسیده است، از جمله این فعالیتها است. در این مجموعه با توجه به نیاز مخاطبان آثار تألیف سدههای قبل، تصحیح و ترجمه می گردد و در اختیار جامعه فرهنگی قرار می گیرد. از جمله این آثار کتاب *نورالعیون* می باشد که به تصحیح دکتر بیگ باباپور آغار گردید و با همکاری این انتشارات با نشر محترم میراث مکتوب به چاپ رسید و در سی و یکم دوره کتاب سال به عنوان اثر شایسته تقدیر شناخته شد.

کتاب فوق نیز تئین اثر چشم پزشکی به زبان فارسی می باشد که در سده پنجم هجری نگاشته شده است.

در ذیل این مجموعه آثار شایسته تقدیر در این زمینه در دستور کار قرار گرفته و سرمایه گذاری برای ترجمه و تصحیح آنها آغاز شده است. از جمله این کتب، ترجمه جدیدی از *قانون ابن سینا* در ۷ جلد تصحیح کتاب ذخیره خوارزمشاهی در ۷ جلد، تصحیح کتاب *اکسیر اعظم* در ۴ مجلد.

همچنین در بخش تاریخ علم، فرهنگ و تمدن دوره اسلامی و با تکیه بر شناساندن آثار فاخر دوره اسلامی به مخاطبان مبادرت به چاپ کتابهای (فاکسمیله) بخشی از این آثار نموده ایم که تاکنون ۳۰ جلد از این کتابها در این مجموعه به چاپ رسیده است.

تذکره های فارسی، احیای متون، جستارهایی در میراث اسلامی، مجموعه *فهارس*، مجموعه آثار ابن سینا و نیز میراث عثمانی از دیگر مجموعه های است که در این انتشارات در حال آماده سازی و چاپ می باشند.

اما در بخش تولید و چاپ کتاب نکته ای که قابل ذکر است، استفاده مجموعه انتشارات از امکانات بروز چاپ «*print on demend*» یا چاپ بر اساس نیاز است که از مندهای جدید جهانی می باشد و در دنیا مورد استفاده قرار می گیرد و امکان چاپ کتاب را در تیراژ پایین و با سرعت بالا فراهم می سازد. ما نیز با بهره گیری از این امکانات تمامی مراحل تولید کتاب را به صورت کامل در بخش

کوچکی با کیفیت بالا انجام می‌دهیم و مشکل هزینه‌های بالای چاپ و گرانی کاغذ را تا حد زیادی حل نموده‌ایم.

امیدواریم تا بتوانیم با کمک و یاری و استعانت خداوند متعال گامی هر چند کوچک در زمینه اعتلای فرهنگ اصیل ایران اسلامی برداریم.

در پایان از کلیه همکاران در بخش تألیف و ترجمه، آماده سازی، تولید و فروش و همچنین مخاطبان محترم که با نظریات خویش ما را یاری می‌نمایند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

امید داریم مؤلفان، مترجمان محترم ما را در پیشبرد اهداف یاری رسانند و همکاری و مساعدت بیشتری بنمایند.

مدیر انتشارات سفیر اردهال

سیدحسین عابدینی اردهالی

www.ketab.ir

فهرست مطالب

مقدمه ۱۳

فصل اول: نامه‌های تجاری

۱. نامه میرزا عبدالحمید آشتیانی، تاریخ ۱۳۳۷ هـ. ق ۲۷
۲. ملتمسه سفارشی میرزا غلامرضا تاجر آشتیان، ۷ سرطان ۱۲۹۵ شمسی ۲۸
۳. درخواست پول از طرف میرزا آقاخان قائم مقامی، ۱۲ ربیع المولود ۱۳۳۴ ۲۹
۴. مرسله میرزا محمد حسین قمی، ۲۸ صفر ۱۳۳۶ ۳۰
۵. مرسله محمد حسین قمی، ۱۵ محرم ۱۳۳۱ ۳۱
۶. حواله پول میرزا آقاخان قائم مقامی، ۱۹ صفر ۱۳۳۴ ۳۲
۷. نامه میرزا ابراهیم عیبدی، ۱۳۳۴ هـ. ق ۳۳
۸. دنباله نامه صفحه قبل ۳۴
۹. عریضه تجارت خانه برادران جواهری قمی، شوال المکرم ۱۳۳۵ ۳۵
۱۰. صورت پرداخت پول میرزا عبدالله خان تاجر آشتیانی، ۲۸ صفر ۱۳۳۶ ۳۶
۱۱. حواله رسید گندم توسط میرزا آقاخان قائم مقامی، ۱۲ رجب المرجب ۱۳۳۴ ۳۷
۱۲. دستور دوخت پاکت بیمه پستی ۱۲۹۵ شمسی ۳۸

۱۳. قبض وصول عوارض مالیات مستغلات، ۱ مهرماه ۱۳۱۴..... ۳۹
۱۴. رسید حواله پول به جناب آقا شیخ احمد تاجر عراقی، بی تاریخ..... ۴۰
۱۵. استشهاد و استعلام ملک قطعه ۱ ناحیه ۱۰ عراق، بی تاریخ..... ۴۱
۱۶. برات حواله پول از طرف حاج محمدرضا قمی تاجر، ذیقعه ۱۳۳۶..... ۴۲
۱۷. قبض وصول مالیات، ۱۴ / ۷ / ۱۳۱۴..... ۴۳
۱۸. صورت محاسبه حساب آقا میرزا عبدالله عطائی، شهریور ماه ۱۳۱۹ تا اردیبهشت ۱۳۲۰..... ۴۴
۱۹. قبض محاسبات اجرا بر حسب مالیه اجرای ثبت عراق، ۱۰ / ۳ / ۱۳۱..... ۴۵
۲۰. ثبت حساب ماشین « بنگاه فرد فولادی - اراک »، ۲۴ / ۴ / ۱۳۲۴..... ۴۶
۲۱. پشت حساب صفحه قبل..... ۴۷
۲۲. صورت حساب ماشین (بنگاه مسافری ره نورد - مرکزی قم)، تاریخ ۲۱ / ۴ / ۱۳۲۰..... ۴۸
۲۳. پشت صورت حساب صفحه قبل..... ۴۹
۲۴. برات حواله پول حاج محمدرضا قمی، ذیحجه الحرام ۱۳۳۷..... ۵۰
۲۵. مرسله محمد بهمن یار عراقی تاجر، ۱۱ صفر الحرام ۱۳۳۱..... ۵۱
۲۶. نامه میرزا عبدالحسین خان آشتیانی، ۴ ذیقعه، ۱۳۳۰..... ۵۲
۲۷. نامه میرزا حسین خان جمالی آشتیانی، ۱۳۰۰ خورشیدی..... ۵۳
۲۸. مرسله محمد سلیمی آشتیانی، ۱۳۳۶ هجری..... ۵۴
۲۹. نامه احمد اصفهانی تاجر، ۱۱ جمادی الاول، ۱۳۴۶..... ۵۵
۳۰. دنباله نامه احمد اصفهانی (صفحه قبل)..... ۵۶
۳۱. مرسله حاج محمد حسین قمی، ۱۴ صفر ۱۳۳۶..... ۵۷

۳۲. دنباله مرسله حاج محمد حسین قمی (دنباله نامه صفحه قبل) ۵۸
۳۳. مرسله حاج محمد حسین تاجر قمی، ۱۸ شهر صفر ۱۳۳۶ ۵۹
۳۴. مرسله محمد خوانساری تاجر عراقی، ۲۷ شوال المکرم ۱۳۳۷ ۶۰
۳۵. مرسله رضی الدین سلطان السادات، ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۳۶ ۶۱
۳۶. مرسله رضی الدین سلطان السادات، ۲۲ محرم الحرام ۱۳۳۶ ۶۲
۳۷. مرسله رضی الدین سلطان السادات، ۲۷ محرم الحرام ۱۳۳۶ ۶۳
۳۸. مرسله حسن الحسینی تاجر عراقی، ۲۳ ربیع الاول ۱۳۳۶ ۶۴
۳۹. مرسله حسن الحسینی تاجر عراقی، ۲۳ ربیع الاول ۱۳۳۶ ۶۵
۴۰. پاکت مرسله محمد حسین قمی، ۲۶ شعبان ۱۳۴۶ ۶۶
۴۱. نامه محمد حسین قمی، ۲۶ ربیع الاول ۱۳۴۶ ۶۷
۴۲. صورت دخل و خرج آقا میرزا عبدالله ۱۱ ربیع الاول ۱۳۳۶ ۶۸
۴۳. مرسله میرزا آقاخان قائم مقامی، رمضان ۱۳۳۴ ۶۹
۴۴. مرسله سلطان آباد عراق، ۴ رمضان المبارک ۱۳۳۱ ۷۰
۴۵. مرسله سید حسن نجفی کرمانشاهی، ۶ شوال ۱۳۳۸ ۷۱
۴۶. مرسله سلطان السادات خوانساری، ۲۰ شعبان المعظم ۱۳۳۸ ۷۲
۴۷. مرسله سلطان السادات خوانساری، ۱۳ صفر ۱۳۳۶ ۷۳
۴۸. مرسله سید رضی الدین سلطان السادات خوانساری، ۸ صفر ۱۳۳۶ ۷۴
۴۹. مرسله آقا میرزا غلامعلی، ۲۷ شوال ۱۳۳۶ ۷۵
۵۰. دنباله مرسله صفحه قبل ۷۶
۵۱. نامه میرزا علی اکبر حسینی فرشچی، بی تاریخ ۷۷
۵۲. شهادت نامه نزد علمای عراق بابت فروش گندم، ۱۸ صیام ۱۳۴۱ ۷۸

۵۳. صورت دخل و خرج آقا میرزا عبدالله تاجر، ذی‌قعدة ۱۳۳۵ ۷۹
۵۴. دنباله سند صفحه قبل صورت دخل و خرج ۸۰
۵۵. دنباله سند صفحه قبل صورت دخل و خرج ۸۱
۵۶. مرسله سید رضی‌الدین سلطان السادات اشرف‌الملک خوانساری، ۹ جمادی الاول ۱۳۳۶ ۸۲
۵۷. مرسله سلطان السادات خوانساری اشرف‌الملک، ۲۱ جمادی الثاني ۱۳۳۶ ۸۳
۵۸. مرسله سلطان السادات خوانساری، ۷ ربیع الثاني ۱۳۳۶ ۸۴
۵۹. مرسله سید حسن نجفی کرمانشاهی، ۲۰ صیام ۱۳۳۸ ۸۵
۶۰. مرسله سید حسن نجفی کرمانشاهی، ۶ صیام ۱۳۳۸ ۸۶
۶۱. مرسله سید حسن نجفی کرمانشاهی، [تأیید سند شماره ۶۰ و ۶۱] ۸۷
۶۲. نامه میرزا عبدالعزیز طائی ۸۸
۶۳. نامه وزارت جلیله، تاریخ ۸۹
۶۴. مرسله آقا مشهدی حبیب‌التاجر، ۱۳۳۹ ۹۰
۶۵. دنباله سند صفحه قبل ۹۱
۶۶. سواد تلگراف سید ضیاء‌الدین طباطبائی، ۱۳ شهریور بهشت ۱۳۰۰ (خورشیدی) ۹۲
۶۷. صورت مخارج قنات گلشن آشتیان، ۱۴ شعبان ۱۳۰۴ ۹۳
۶۸. دنباله صورت صفحه قبل پرداختی به سردار بختیاری ۹۴
۶۹. دنباله صورت قنات گلشن پرداختی به سردار بختیاری ۹۵
۷۰. دنباله صورت قنات گلشن پرداختی به سردار بختیاری ۹۶
۷۱. درخواست میرزا اسماعیل خان نورائی آشتیانی، ۴ شهریور ۱۳۱۱ ۹۷
۷۲. نامه صادقی، وکیل میرزا عبدالله، ۵ / ۱ / ۱۳۱۰ ۹۸

۷۳. صورت مخارج قنات گلشن، از جمادی الاول ۱۳۳۹ الی شعبان ۱۳۴۴ ۹۹
۷۴. نامه میرزا زین العابدین خان آشتیانی، شش ذی‌عقده، ۱۳۳۹ ۱۰۰
۷۵. نامه میرزا زین العابدین خان آشتیانی، شش ذی‌عقده، ۱۳۳۹ ۱۰۱
۷۶. دنباله نامه صفحه قبل ۱۰۲
۷۷. دنباله نامه صفحه قبل ۱۰۳
۷۸. شکایت رعایای سیاوشان به حکومت جلیله عراق ۱۰۴
۷۹. نامه منیر داخله علی منصور به حکومت عراق، تاریخ ۱۳۱۰/۸/۶ ۱۰۵
۸۰. اه‌ای موضوع سیاوشان و ظلم حکمران عراق، ۱۳۳۶ هجری ۱۰۶
۸۱. برات حواله پول میرزا، اله تاجر آشتیانی، ۸ ذیحجه ۱۳۳۷ ۱۰۷
۸۲. برات حواله پول میرزا، عبداله تاجر آشتیانی، ۴ شوال ۱۳۳۷ ۱۰۸

فصل دوم: دست‌نامه‌ها

۸۳. پاکت نامه، آقا میرزا محمد حسین قمی، شهر ربیع الاول ۱۳۳۶ ۱۱۱
۸۴. پاکت نامه، آقا میرزا آقا خان قائم مقامی، رجب ۱۳۳۸ ۱۱۲
۸۵. پاکت نامه، حسن الحسینی عراقی تاجر، ۲۰ شعبان ۱۳۳۸ ۱۱۳
۸۶. پاکت نامه، حسن الحسینی تاجر عراقی، صفر ۱۳۳۶ ۱۱۴
۸۷. پاکت نامه، میرزا آقا خان قائم مقامی، ۲۰ شعبان ۱۳۳۶ ۱۱۵
۸۸. پاکت نامه، حاج حسن قمی، ۲۰ شوال ۱۳۳۵ ۱۱۶
۸۹. پاکت نامه، حسن الحسینی، رجب ۱۳۳۶ ۱۱۷
۹۰. پاکت نامه، حاج محمد حسین قمی، ۲۷ شوال ۱۳۳۵ ۱۱۸
۹۱. پاکت نامه، علی عباس تاجر عراقی، ۲۳ رجب ۱۳۳۴ ۱۱۹

۹۲. پاکت نامه، محمد حسین قمی، ۱۰ ذیقعدہ ۱۳۳۵ ۱۲۰
۹۳. پاکت نامه، محمد حسین قمی، رمضان ۱۳۳۸ ۱۲۱
۹۴. پاکت نامه، سید حسن نجفی کرمانشاهی، ۶ صیام ۱۳۳۸ ۱۲۲
۹۵. پاکت نامه، سید حسن نجفی کرمانشاهی، ۱۳۳۸ هجری ۱۲۳
۹۶. پاکت نامه، محمد حسین قمی، ۱۰ صفر ۱۳۳۶ ۱۲۴
۹۷. پاکت نامه، حسن الحسینی، ۲۰ شعبان ۱۳۳۸ ۱۲۵
۹۸. پاکت نامه، سلطان السادات اشرف الملک ۱۲۶
۹۹. پاکت نامه، عبدالغفور توتونچی تاجر، ۱۳۳۶ هجری ۱۲۷
۱۰۰. پاکت نامه، میرزا حسین خان آشتیانی جمالی، ۲۶ شوال ۱۳۳۹ ۱۲۸
۱۰۱. پاکت نامه، محمد همن یار عراقی، صیام ۱۳۳۸ ۱۲۹
۱۰۲. پاکت نامه، میرزا رفیع خان عطایی، ۵ ذیقعدہ ۱۳۳۹ ۱۳۰

فصل سوم: اسناد حکومتی عراق - اسناد حکومتی

۱. اسامی امضا کنندگان نامه به میرزا محمد علی ممالک آشتیانی، بی تاریخ ۱۳۳
۲. نامه سردار اجلال (حاکم عراق)، ربیع الاول ۱۳۰۳ ۱۳۴
۳. نامه ایست به محمد رفیع خان، شوال ۱۳۰۳ ۱۳۵
۴. نامه ایست به مقرب الخاقان محمد رفیع خان، محرم الحرام ۱۳۰۳ ۱۳۶
۵. شکایت نامه عبد الباقی برز آبادی به عضد السلطان، شهر صفر ۱۳۳۱ ۱۳۷
۶. نامه میرزا یوسف مستوفی الممالک جمادی الثانی ۱۳۰۳ ۱۳۸
۷. نامه ای از صدراعظم به ساعد الدوله، ۱۳۱۵ ۱۳۹
۸. سواد مرقومه کمیسیون خسارات از کارگذاری، ۱۷ صفر المظفر ۱۳۳۶ ۱۴۰

۱. سواد نامه مستوفی الممالک به مقرب الخان، محرم ۱۳۲۶..... ۱۴۱
۲. مکتوب مستوفی الممالک شهر ربیع الاول ۱۳۱۵..... ۱۴۲
۳. مکتوب به امیر الامراء العظام، سیزده شوال المکرم ۱۳۰۱..... ۱۴۳
۴. مکتوب اتابک اعظم به معتمد السلطان، صفر المظفر ۱۳۱۹..... ۱۴۴
۵. نامه میرزا حسن مستوفی الممالک به محمد رفیع خان، ربیع الثاني ۱۳۱۲..... ۱۴۵
۶. سواد راپورت مفصل در تفصیل آمدن آزاد خان و محمد آقا خان، ۱۶ شعبان ۱۳۳۳..... ۱۴۶
۷. نامه حکم عراق به معتمد الایاله، ۲۵ رجب ۱۳۲۵..... ۱۴۷
۸. حکم عثمانی، موات دیوانی، شعبان ۱۳۱۶..... ۱۴۸
۹. دنباله حکم علی بن امیر نظام پیشکار آذربایجان..... ۱۴۹
۱۰. پشت حکم محمد علی میرزا به..... ۱۵۰
۱۱. مکتوب امیر افخم به نایب الحکومت، ۲۵ رجب المرجب ۱۳۲۹..... ۱۵۱

فصل چهارم: نمونه ها

۱. نمونه دست خط، مهر و امضاء میرزا حسن خان مستوفی الممالک آشتیانی..... ۱۵۵
۲. دست خط ناصرالدین شاه به میرزا یوسف مستوفی الممالک..... ۱۵۶
۳. دست خط ناصرالدین شاه به جناب آقا (میرزا یوسف مستوفی الممالک)..... ۱۵۷
۴. نمونه خط میرزا یوسف مستوفی الممالک آشتیانی..... ۱۵۸

فصل پنجم: عکس ها

۱۶۱. میرزا عبدالله خان تاجر آشتیانی..... ۱۶۱
۱۶۲. قالی کهنه عراق..... ۱۶۲

قلعه سلطان آباد (شهر سلطان آباد) سال ۱۲۷۱ هجری ۱۶۳

فصل ششم : فهرست اعلام

فهرست اعلام ۱۶۷

www.ketab.ir

بنام خداوند جان و خرد

مقدمه:

سلطان آباد تاریخی است که به عراق عجم شهرت داشته است. درباره شهر سلطان آباد در دستک ها و منابع تاریخی اقوال مختلفی بیان گردیده اما در بسیاری از منابع این ناحیه بزرگ ایران قدیم شامل: اصفهان، همدان، قم، ری و نیز سمنان دانسته اند. قسمت کوچکی از این جغرافیای بزرگ که در دو قرن پیش بنام عراق عجم شهرت داشته همان است که مرکزی امروزی را شامل می شد است. اکنون شهر اراک و مرکز استان مرکزی نامیده می شود .

در کتاب «گزارش نامه یا فقه اللغة اساسی» که به مطلع کتاب کرج نامه « استاد ابراهیم دهگان آمده: «اراک نام فعلی شهر است که در زمان فتحعلی شاه قاجار (۱۲۲۷ هجری) به مباشرت یوسف خان گرجی به عنوان قلعه جنگی بنیاد گردید». در این کتاب بحث اصلی ما تجارت و بازار است و ربط با آن و پرداختن به بازار سنتی شهر سلطان آباد می باشد. که دارای تجارتخانه های متعددی بوده است.

اگر مبنای رونق اقتصادی بازار سلطان آباد را نوشته های اعتماد السلطنه قرار دهیم، در می یابیم که شکوفایی و رونق آن را بعد از سال ۱۲۷۱ هجری بوده است؛ یعنی زمانی که بازار آن مرمت و بازسازی گردیده و فعالیت حجره ها و راسته بازارها به امر تجارت و داد و ستد با سایر شهرها و حمل و

نقل کالا به صورت جدی پا به عرصه اقتصاد شهری گذاشته و اعتبار تجاری شهر را در کنار اعتبار نظامی آن برجسته کرده است.

اعتماد السلطنه در «مرات البلدان» در ذیل وقایع سال ۱۲۷۱ هجری آورده: «میرزا حسین خان [امیر نظام، برادر میرزا تقی خان امیر کبیر] نائب الحکومه عراق دکاکن شهر سلطان آباد و باغات و عمارات دیوانی را مرمت و تعمیر و غرس اشجار کرده و از بلاد دیگر از هر قبیل ارباب صنایع به این شهر آورده و سکنی داده. تجار و ارباب صنایع شهر همه از جاهای دیگر و از بلاد مجاور دعوت شده‌اند. اکثر تجار این شهر آذربایجانی، اصفهانی، کاشانی و خوانساری می‌باشند و صنعت گران شهر بیشتر از مردم بروجرد و شهرهای مجاور تشکیل شده است. شهرت و اعتبار بازار سلطان آباد بدان سبب بوده که در اواخر قرن سیزدهم هجری یکی از مهمترین قطب‌های اقتصادی منطقه مرکزی به شمار می‌آمد. این شهر در اوایل قرن چهاردهم هجری علاوه بر تجارتخانه و تاجران ایرانی بسیاری از متلّف انگلیسی و آلمانی جهت صادرات و واردات در این شهر پا به عرصه اجتماع و اقتصادی و گاه سیاسی گذاشته و علت آن هم شهرت قالی و پوست و برنج خشکبار مرکبات محلی بوده که از شهرت جهانی برخوردار بوده است.

از مهمترین این شرکتها می‌توان به کمپانی «زیگلر» که توسط انگلیسی‌ها اداره می‌شده و به کار تجارت مشغول بوده اشاره کرد. این کمپانی در صادرات قالی دستی داشته و اسنادی مبنی بر شکایت مردم بروجرد کارکنان این کمپانی با تجار فرش بازار سلطان آباد در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی موجود است. در کتاب «گزارش نامه» و «تاریخ اراک» نوشته استاد ابراهیم دهگان آمده: «قلعه مزبور در سال ۱۲۷۲ [هجری] به وسیله محمد علی خان امیر نظام برادر میرزا تقی خان امیر کبیر تمصیر و تشجیر شد و از اطراف تبریز و کسبه به شهر نو بنیاد روی آوردند. حتی در اوایل قرن چهاردهم هجری یکی از شهرستان‌های بسیار آباد گردید و متجاوز از پنجاه کمپانی خارجی در این شهر شعبه داشته و به کاروکسب مشغول بودند.» هر چند شواهد تاریخی و گفته اکثر مورخان قابل توجه و امعان نظر؛ است اما تاریخ ساخت و تأسیس بازار سلطان آباد به درستی مشخص نیست و به نظر می‌رسد که بازار مذکور طی زمان توأماً

با سایر اماکن عمومی از قبیل مسجد، مدرسه و حمام سیر اجرایی و تکمیل آن به انجام رسیده است .

در کتاب «تاریخ اراک» آمده: «چیزی که قابل ذکر است آن که بنای شهری مشتمل بر حدود پنج هزار خانه و چهار راسته بازار مسقف و نیز مشتمل بر بنای بزرگ، ارگ دولتی و مدرسه و تعداد زیادی مسجد و حمام با توجه به اینکه بانی شهر اکثر ایام خود را در جبهه جنگ‌های ایران و عثمانی و ایران و روس به سر برده و نیز سال‌های جنگ خیلی طولانی بوده، نمی‌توان به طور قطع به سال معینی نسبت داد». بر این اساس بازار سلطان آباد تا قبل از سال ۱۲۷۱ هجری از نظر تجارت و اقتصاد از رونق و اعتبار منطقه‌ای قابل ملاحظه‌ای برخوردار نبوده و به دلیل حرفه‌ای به تجارت نپرداخته است. از زمان میرزا حسین خان نائب الحکومه با بازیافت مرمت بازار و احتمالاً تشویق و ترغیب تجار و صاحبان حرف از شهر استغنائی بر اعتبار و ارزش آن افزوده گردیده و طی زمان‌های بعد از قطب‌های اقتصادی مرکز به حساب آمده است .

اعتمادالسلطنه در «تاریخ اراک» می‌نویسد: «از بومیان قدیم کمتر کسی را می‌شناسم که به شغل تجارت یا صنعت مشغول باشد». بر همین اساس ساکنان محلی و بومیان که مهمترین انگیزه‌های اقتصادی و صنعتی آنان محدود به یک یا دو تجارت یا صنعت روز مشغول و تولید صنعت آنان محدود به یک یا دو حرفه تخصصی بوده است. گفته‌های اعتمادالسلطنه به درستی با نامه‌ها و اسناد حاضر مطابقت دارد و بر آن اساس که اکثر تجار ساکن آباد از شهرهای دیگر از جمله: آذربایجان، اصفهان، کاشان و خوانسار بوده اند که با گذشت زمان بر پایه اسناد موجود؛ تجار دیگری از شهرهای جوار همچون: خم، کرمانشاه، فراهان به این شهر آمده بعد از مشروطه بر تعداد آن‌ها افزوده گردیده است .

.....

لازم می‌داند شمه‌ای از خصوصیات بارز بازاریان اصیل آن دور را در آستانه نمایند تا به مبانی اخلاقی و اجتماعی و شرعی آن صنف بیشتر آشنایم. بازاریان اصیل آن زمان معمولاً با توجه به صفات نیک اخلاقی و پایبند بودن به اصول شرعی و عرفی هرگز اجازه نمی‌دادند آنچنان پایشان به عدلیه و نظمیه باز شود. این جماعت به دلیل استغنائی شخصی آنچنانکه تا نیمی از روز نیاز معاش

خود را تأمین می‌کردند، مشتری را به سراغ کسبه دیگر که نیاز مبرم‌تری داشتند می‌فرستادند. که این نیز نشان از طبع بلندآنان داشته است.

بازار مذکور رقابتی و رفاقتی بود بازاریان هیچ گاه حاضر نبودند که همکارانشان دچار ورشکستگی شوند. همواره با هم معامله و مراوده داشتند و به هم حرمت می‌گذاشتند و در نهایت اعتماد و صداقت با یکدیگر به حرمت رفتار کردند. نوعی قانون اخلاقی نانوشته بین آنها حکم فرما بود که از هزاران قانون تصویب شده مقدس‌تر و محکم‌تر بود. این فرهنگ قوی و با ارزش آن را به مهمترین طبقه تشکیلاتی منحصر به فرد جامعه تبدیل کرده بود و به تبع آن در تحولات سیاسی؛ آنها نقش اثر گذار و پیشرو را داشتند. نمونه عینی آن انقلاب مشروطیت است که این صنف در به ثمر رساندن آن نقش بسیار مهم و مؤثری را در کنار سایر طبقات جامعه ایران ایفا کردند. و در مجلس اول و دوم پیش از گزینش اعضای مجلس را بدست آوردند. سواد خواندن و نوشتن و تخصص در محاسبات و تئوری و چرتکه و نزدیکی و هم زیستی با اقشار پایین جامعه باعث شده بود تا این صنف به مسایل سیاسی ورود کند. اسناد به جا مانده در این خصوص خود را بر این مدعا می‌باشد. و نحوه عملکرد آنان را در اتفاقات و رویدادهایی چون: خلع سقراطی و قحطی نشان می‌دهد. در اتفاقات این چنینی ارزش ملک به شدت پائین می‌آمد و در بسیاری از مواقع مردم برای تهیه آذوقه و معاش خود مجبور به فروش اموال و ملک کشاورزی، باغات، خانه‌ها، اجناس از قبیل: مس، قالی و سایر لوازم زندگی می‌شدند تا بتوانند حداقل معاش روزانه خود را تأمین نمایند. اسناد به جامانده از آن زمانها (سنگ جهانی اول) حاکی از آن است که بخش زیادی از مردم بر اثر گرسنگی و مرض وبا جان خود را از دست دادند. و گرانی زندگی مردم را با مشکلات و نریز به رو کرده بود. چنانچه به این اسناد دقیق شویم بیشترین خرید و فروش را در این دوره مشاهده می‌نماییم که سهم قابل ملاحظه‌ای از آن را تجار با به وسع مالی خود خریداری کرده اند. بازاریان با توجه به داشتن شمع اقتصادی قوی که معمولاً به صورت مورثی از پدران خود به ودیعه گرفته بودند؛ همواره نبض بازار را در کنترل داشته و از این رهگذر منابع مالی خود را نیز تأمین می‌نمودند. قابل ذکر است که همین افراد در مواقع لزوم در نهایت سخاوت و گشاده دستی در حوادث و اتفاقات در جهت رفاه عامه و کمک به مستمندان و همچنین امور عام

المنفعه (مسجد، تکیه، آب انبار) حضور داشته و نقش بسیار مهمی را ایفا نموده‌اند. آنها به درستی درک کرده بودند که امنیت اقتصادی جامعه در سایه رفاه و تلاش عمومی است؛ و لذا هیچ گاه مسئولیت خویش را در این خصوص فراموش نمی کردند. از دیگر مشخصات این صنف اعتمادی بود که جامعه نسبت به آن داشتند، به طوری که مردم وجوه نقدی خود را نزد آنها به امانت می سپردند. در مواقع بروز اختلافات خانوادگی یا معضلات و مشکلات دیگر این صنف و دعاوی افراد را به صورت رضی الطرفین حل و فصل می کردند.

به طوریکه پیش از این گفته شد جنگ جهانی اول (۱۹۱۴م - ۱۹۱۸م) و اشغال منطقه عراق توسط قوای اشغالگر روس، عثمانی و انگلیس، خشکسالی، قحطی و ناامنی راه‌ها و کمبود مایحتاج عمومی به خصوص گندم و ارزاق خوراکی و مشکلات متعدد دیگری برای تجار به همراه داشت. این مشکلات برای روشن شدن اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این دوران خاص لازم است به پنج سال قبل از اشغال منطقه توسط قوای خارجی و به سال ۱۳۲۷ هجری و مجلس دوم نگاهی انداخت. شورای سالارالدوله که خود را وارث تاج و تخت محمدعلی شاه قاجار می دانست، منطقه را دچار بحران و قحطی کرده و صدمه سنگینی در این خصوص به مالکین و تجار وارد نموده بود. منطقه عراق از تاخت و تاز و غارت الوار که حامیان اصلی سالارالدوله بودند در امان نمانده و بر پایه اسناد معتبر سالارالدوله و حامیانش پس از غارت خنداب، شرا، کزاز، سریند و حتی بروجرد و خمین و محلات و فراهان تا نوا و بوه پیش رفته و همه چیز را در مسیر خود مورد حمله و غارت قرار دادند و در نهایت تخریب و افراد را وادار به کوچ اجباری کردند. آنها مزارع را به آتش کشیده و اموال و احشام مردم را به سرقت بردند و چنانچه کسی در مقابل آنها ایستادگی می نمود، کشته می شد. این خسارات و صدمه تا جنگ جهانی اول اثرات مشهود خود را بر کشاورزان و تجار گذاشته بود. اشغال منطقه توسط قوای خارجی بر شدت بحران اقتصادی و اجتماعی منطقه افزود و باعث اخلال در امر تجارت گردید.

همزمان با ۱۹۱۷ میلادی و جنگ جهانی اول و سال ۱۳۳۶ هجری سراسر ایران دچار کمبود غله و خشکسالی گردید و عنقریب مردم عاصی و گرسنه در صدد شورش برآمدند؛ اما دولت و ثوق الدوله تمهیداتی اندیشید و ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی را مسئول خرید گندم از سایر

ولایات به پایتخت قرارداد. قابل توجه است که با وجود وضعیت بحرانی یکی از مناطقی که گندم اضافی قابل ملاحظه ای داشته سلطان آباد بوده است. در اسناد موجود چند جا از مأموران ارباب کیخسرو نام برده شده است. در کتاب: «خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ» آمده:

جنگ جهانی در اروپا به خاطر ترور ولیعهد اتریش در صربستان شروع گردید و پای آمریکا نیز به آن کشیده شد. هر چند ایران بی طرفی خود را حفظ کرد؛ اما ترک‌ها به بهانه جنگ با روسیه به کشور ما حمله ور شدند در همین زمان آلمانی‌ها کمیته دفاع ملی را تأسیس کردند و انگلیسی‌ها نیروی پلیس جنوب ایران را در پی بلوایی که در این ایام رخ داد و محصولات گندم و جو به آتش کشیدند. کشور دچار قحطی گردید و این مصادف بود با دوران نخست وزیری حسن وثوق الدوله. این واقعه در طول شش سال فترت مجلس شورای ملی رخ داد. نخست وزیر از من خواست از هر کجا که می‌توانم غلات تهیه کنم و تسهیلاتی را انداختن کردن آن فراهم آورم تا از گسترش دامنه قحطی جلوگیری شود. وظیفه شایسته بود اول غلاتی برای جمع‌آوری وجود نداشت، ثانیاً در ایران وسیله نقلیه موتوری برای انتقال غلات به نقاط دور از دسترس پیدا نمی‌شود. با این وصف این چالش را پذیرفتم فوراً دست به کار شدم. با حسن مشیرالدوله وزیر مالیه آب مان در یک مری نرفتم. او من را به عنوان مأمور دولت به رسمیت نشناخت و از مقامش برای جلوگیری از حمل غلات برای محتاج‌ترین مردم در نقاط دور دست به وسیله شترها که از طرف دولت خریده بودند استفاده کرد. بنابراین به علت وجود اختلاف نظر با من استعفا دادم.

در سال ۱۹۱۸ زمانی که انتظار قحطی سختی در کشور به خاطر سماجت دائمی وثوق الدوله یک بار دیگر مسئولیت رفع آن مشکل بزرگ را پذیرفتم. ترتیبی دادم که تا حد امکان از دور و نزدیک غلات تهیه کنند تا مسئله حمل آنها به وسیله شتر به خصوص برای تهران آن هم در فصل زمستان و راه‌های مسدود از برف همچنان وجود داشت. در همین موقع وثوق الدوله استعفا داد و مستوفی الممالک نخست وزیر شد. یک روزنامه بلند بالائی از او به دستم رسید که در آن آمده بود سه روز است غلات به انبارها نرسیده و ناوایی‌ها فاقد ذخیره هستند و اگر اوضاع تغییر نکند، ترس آن دارد که پایتخت دچار بلوا شود. تعجب

من از آن بود که چرا زودتر متوجه نشده است. بگذریم، وظیفه من خرید گندم بود این که در انبارها چه می‌گذرد به من ربطی نداشت. روز بعد به ملاقات بعضی از ملاکان ثروتمند مانند مجدالدوله و سردارکل رفتم و موجودی انبار غله آنها را خریداری کردم، با این حال همچنان کمبود احساس می‌شد. بهای گندم که در آغاز سال در تهران خرواری سی و پنج تومان و در اراک خرواری بیست تومان بود، حالا در تهران به خرواری نود تومان رسیده بود.

بیماری تفوئید به سرعت در پایتخت رواج یافت و روزانه حدود ششصد نفر به بیمارستان‌ها می‌رفتند و یا از گرسنگی جان خود را از دست می‌دادند. هرچند در مراکز مختلف برنج به صورت دمپخت میان مردم توزیع می‌شد، اما چندان فایده‌ای نداشت. مردم از خوردن چرم کهنه، گوشت الاغ و یا هر حیوان دیگری ابایی نداشتند.

اطلاع یافتم که شاهزاده احمدشاه انبار گندم بزرگی دارد او پس از شنیدن همه ماجرا پرسید که به چه علت حاضر به خرید گندم هستم، به عرض رساندم، حاضرم در همان روز خرواری نود تومان بپردازم. شاه پاسخ داد با این که انگلیسی‌ها نانوائی ندارند و واسطه‌ها من را می‌خواهند اما گفته‌اند خرواری یکصد تومان می‌خرند. به عرض رساندم که من گندم را برای مصرف شخصی نمی‌خواهم، این پول مال مملکت است و من از طرف حکومت اقدام به خرید گندم می‌کنم تا مردم را از این مذلت نجات دهم. شاه اعلیحضرت تشریح کرد که با این کار حتی از تزار روسیه هم ثروتمندتر می‌شوند و پس سرنوشت تزار را یادآور شدم. آنگاه افزودم که آیا اعلیحضرت می‌خواهند بهای خون و زندگی مردمشان ثروت ببندوزند. بالاخره توانستم یکصد خرواری گندم به مبلغ ده هزار تومان از ایشان بخرم. یک برگ چک در وجه حامل به اعلیحضرت تقدیم کردم. شاه دستوراتی برای ترخیص گندم از انبار صادر کردند؛ اما گندم مثل زهر تلخ بود و حدود سه چهارم مردم پس از خوردن نان آن مریض شدند. در همین ایام حاجی محترم السلطنه از وزارت مالیه استعفا داد و ممتاز الدوله جانشین او شد. او به دیدار من آمد و گفت شاه از این که همه درباره معامله گندم حرف می‌زنند گلایه دارد. پاسخ دادم در واقع اگر کار خیر انجام داده‌ام باید از آن تمجید شود. شاه به خوبی از دلیل رفتار خارج از نزاکت من آگاه است. به

هر حال روز بعد کاروان‌های شتر حامل گندم از اراک وارد شد. در دوران نخست وزیری محمدولی خان سپهسالار، زمانی که حاج عین الملک وزیر مالیه بود. چون خزانه‌داری پول نقد نداشت به کارمندان دولت به جای حقوق، گندم و آجر می‌دادند. چند لر انگلیسی صندوقدار خزانه‌داری که معمولاً مست بود به کارمندانی که برای دریافت حقوق صف می‌بستند می‌گفت: «نیست، نیست». وقتی پول بود برگرد.

کسی نباید تصور کند که خرید گندم به نمایندگی از طرف دولت در سال فحطی کارآسانی بود. مردم گرسنه و خشمگین بودند، باربرها کمتر از میزان مقرر تحویل می‌دادند، پیمانکاران قراردادهایشان را نادیده می‌گرفتند، افراد زیر دست من سر راگ می‌زدند. اشخاص ماجراجو تبانی می‌کردند و محرمانه اجناس را می‌فروختند. به غم من که اینها حتی یک دانه گندم حرام نشد و یک شاهی از دست رفت. در اینجا باید میان من و معاوضت حسین دادگر نسبت به خودم تشکر کنم که بعداً به معاونت وزارت داخله منصوب شد.

اوضاع حقیقتاً اسفناک بود. مثلاً احمد خان آذری که رئیس بازرسان وزارت مالیه بود، در اراک یک کاروان گندم به قیمت خرواری سی تومان به من فروخت. چند روز بعد به من گفت: مشکلی پیش آمده است. چون شخصی که گندم را فروخته بود به سردار سعد بختیاری بدهی داشت. بنابراین به وسیله او دستگیر می‌شود. امیر جنگ که برادر سردار سعد حاکم اراک بود و در همان زمان صمصام السلطنه بختیاری نخست وزیر و رئیس داخله نظر به این که من قبلاً قراردادی امضا کرده بودم، قضیه را به آقای دادگر معاونت وزارت داخله ارجاع کردم و او هم بلافاصله به سرهنگ فضل الله خان رئیس پلیس قم تلفن زد تا چند نفر ژاندارم بفرستند. در نتیجه ماجرا به پایان رسید و گندم با رساله شد. از این نوع حوادث زیاد اتفاق می‌افتد. متعاقب این واقع به خصوص آقای آذری به دیدن من آمد و رسید پولی به مبلغ سه هزار تومان را روی میز من گذاشت. چون فکر کردم آمده است از من تقاضای نقدینگی بیشتر بکند، به او گفتم که مابه التفاوت، طبق قرارداد به موقع پرداخت خواهد شد. در عوض او گفت این برای تشکر از ترخیص گندم بختیاری‌ها است. من پس از قدردانی گفتم، اشخاصی

مانند او هستند که در مقام سربازرس وزارت مالیه سبب رشوه خواری دیگران می‌شوند. اما از آنجایی که به میل خودش پول را آورده بود آن را به حساب دولت واریز و طبق قراردادی که با او بسته و ادارش کردم سه تومان تخفیف بدهد .

همچنین مبلغ هشتاد هزار تومان بابت جریمه کسانی که در اجرای این قرارداد تعلل ورزیده بودند اخذ کردم. سپس به حسابدارم دستور دادم جریمه‌ها و مبالغ دریافتی را به حساب خزانه‌داری واریز و حساب آن را تسویه کند. او از روی شجاعت به من نصیحت کرد و گفت این پول زیادی است و اگر آن را به خزانه دولت پرداخت نمایید در آنجا غیب می‌شود. به او پاسخ دادم چون این پول مال دولت بود باید به آن پس داده شود .»

بر پایه نام‌های تجاری موجود بعضی از تجار هم در این آشفته بازار در افزایش قیمت کالاهای اساسی اشتغال داشتند و در صدد احتکار آن برآمدند، اما با برخورد حکومت‌های محلی روبه‌رو شدند و نمایندگان ارباب کیخسرو با قاطعیت در صدد حل بحران اجتماعی و جمع‌آوری گندم از اقصای نقاط مختلف به تهران آمده بودند و در این کار موفق شدند.

مشخصات نامه‌های تجاری این اسناد که ما مانده از پیشینیان که حکم سند تاریخی قابل اعتنائی دارد، دارای سبک و سیاق و منحصر و مختص به تاجر و بازاریان می‌باشد که از ارکان قابل ملاحظه جامعه محسوب می‌شود. این اسناد اطلاعات دست اول از نوع نگارش و ادبیات صفت و تاجر پیشه را دارا است و فاقد تزئینات می‌باشد و معمولاً از اسما متبینه به صورت نادر استفاده شده است؛ چرا که احتمال می‌دادند این نامه‌ها در زیر دست و پای افاده و حرمت اسما مقدس نادیده گرفته شود. همچنین این اسناد جنبه خبری و علمی داشته و ارزش حقوقی بسیار کمتری نسبت به مبیعه نامه و صلح نامه دارد. برجسته‌ترین جمله به کار رفته در این اوراق نام تاجر مورد خطاب است که با احترام و تأکید بر سبقه تاجر بودن شخص گیرنده نامه است و معمولاً تاریخ نگارش آن در پشت پاکت درج گردیده به نحوی که بسیاری از آنان فاقد پاکت بوده و تاریخ دقیق آن را نمی‌توان استخراج کرد. در این اسناد همچنین اسامی تاجران معتبر منطقه‌ای را که در هیچ یک از منابع تاریخی ذکری از آنان به میان نیست و از افراد سرشناس در تحولات اجتماعی و سیاسی زمان محسوب می‌شدند، آشکار و مشهود

است و در مواردی حتی از وقایع تاریخی مهم جامعه که مغفول مانده، صحبتی به میان آمده است.

با مطالعه این اسناد می توان به ارزش پول رسمی در برابر اجناس و کالاها، صادرات و واردات، قیمت ارزاق عمومی و پوشاک و نگرش به مسائل روزمره اجتماعی پی برد. تاجران از مهمترین اقشار جامعه بودند که مالیات مستقیم پرداخت می کردند. بر این اساس خود را در منازعات سیاسی حاکمان، ذی حق دانسته و به اوضاع سیاسی هم توجه داشته و منافع خود را با آن هماهنگ می کردند. به طور معمول تجار نامه های خود را پست کرده و در بعضی از مواقع از مکاری ها و چارواکاران جهت فرستادن نامه و برات پول استفاده می کردند. غالباً این افراد امین بوده و کلیه موارد ایمنی را رعایت می کردند و چون راه ها را به دست می شناختند، کمتر مورد حمله و تاراج دزدان قرار می گرفتند. تاجران در نوشتن پست و حالات نقدی کلیه موارد ایمنی را رعایت کرده و حتی کمترین مبلغ را علاوه بر پست، انشا می کردند و مدت زمان مشخص وصول آن را قید می نمودند. معمولاً بر روی پاکت نام فرستنده و سجع مهر یا نام وی نوشته می شد و تمبر و مهر پست و نام فرستنده و در پشت پاکت نامه، نام شهر مقصد، نام کامل گیرنده یا عارفات تجاری و احترام و تاریخ ارسال نامه و مهر اداره پست مقصد را همراه داشت. در اکثر پاکت نامه عدد «۲۶۶۸» به چشم می خورد. این چهار عدد به حروف این نامه «دوخ» خوانده می شد. و اعتقاد بر این بوده که این اعداد نام ملکی است که سیفان به سلامت رساندن نامه به صاحب آن را بعهده دارد. بعضی از این نامه ها تمبر هستند، اما مهر پست خانه مبدأ و مقصد دارد، بعضی فاقد تمبر و مهر پست که به وسیله پیک یا کاروان داران حمل می شده و نیز تعدادی از آنان تنها به احمد شاهی و رضاشاهی را که قرمز و سبز و آبی هستند دارا می باشند. و که در پست خانه های مبدأ و مقصد نامه بر روی آن کوبیده شده است.

ارسال کنندگان و گیرنده نامه: نامه ها و صورت حساب هایی که از تجار بازار شهر سلطان آباد و یا شهرهای اطراف که با این بازار داد و ستد تجاری داشتند و به مقصد آشتیان فرستاده می شده عموماً به تجارتخانه میرزا عبدالله خان تاجر آشتیانی [عطائی]، (۱۲۶۰ - ۱۳۲۴ خ) ارسال می شده است. مشارالیه یکی

از تجار سرشناس و مؤسس بازار تاریخی آشتیان بوده است. او از ملاکین منطقه آشتیان و خلیجستان بوده و تمامی املاک میرزا یوسف مستوفی الممالک آشتیانی را در سیاهوشان و خلیجستان ابداع نموده است. انبوه اسناد و نامه‌های تجاری وی که بالغ بر چهارصد نامه تجاری است که از شهرهای مختلف و تهران به وی رسیده اهمیت تجارتخانه وی را به اثبات می‌رساند. دفتر حساب‌های تجاری متعدد وی که از تاریخ ۱۳۲۷ هجری تا سال فوتش یعنی ۱۳۲۴ خورشیدی است به خط وی موجود است تسلط و استادی وی را در حساب سیاق به اثبات می‌رساند. در این دفاتر نام بیش از هفتاد شهر، روستا و قصبه که با وی معامله می‌کرد ثبت است که فراهان، تفرش و خلیجستان را نیز شامل می‌گردد. نامه‌ها و صورت حساب‌های شهرهای تهران، قم، همدان، کرمانشاه، سلطان آباد، کاشان، خوانسار و گلپایگان و سایر شهرهای دیگر خود موضوعی دیگر است. که اعتبار منطقه‌ای و فرماندهی تجاری وی را به اثبات می‌رساند. قسمت مهمی از نامه‌های تجاری وی در سال‌های جنگ جهانی اول بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۸ هجری ارسال گردیده است و یکی از اسناد قابل اعتنا و قابل تحقیق برای محققان به حساب می‌آید که در آن نامه‌ها و از نظر جنبه تاریخ تجارت مهم می‌آید. مهمترین تجاری که از بازار سلطان آباد با وی دادوستد تجاری داشتند: میرزا آقا خان قائم مقامی، میرزا محمدحسین تاجر قمی، آقا شیخ احمد تاجر عراقی، حاج محمدرضا تاجر قمی، حاج سید علی تاجر عراقی، آقا سید حسن الحسینی تاجر عراقی، حاجی حسن قمی، سید حسن تاجر کرمانشاهی، محمد بهمن یار عراقی تاجر، میرزا احمد اصفهانی تاجر، میرزا محمد خوانساری تاجر عراقی، رضی الدین سلطان السادات تاجر عراقی معروف به «سلطان الملک»، میرزا علی اکبر فرشچی تاجر عراقی، صادقی وکیل عدلیه از عربستان حاجی عبدالغفور توتونچی تاجر همدانی و... یاد کرد. امید اینکه نامه‌های تجاری و اسناد تاجران بازار سلطان آباد هم بدست آید تا بتوان قضاوت بهتری درباره روابط تجاری منطقه عراق و تاریخ تجاری آن داشته باشیم.

بخش اسناد مجموعاً شامل ۱۸ برگ از اسناد حکومتی قاجاریه است که میرزا یوسف مستوفی الممالک آشتیانی و فرزندش میرزا حسن مستوفی الممالک به

حاکمان عراق [اراک] از جمله ساعدالدوله حکمران عراق؛ شاهزاده عضد السلطان، سارا خان نایب الحکومه ساروق، میرزا علی اکبر خان نایب الحکومه کزاز و فراهان، کارگزاران خارجه عراق در باب اشغال عراق، معتمدالایاله محمد رفیع نایب الحکومه آشتیان و مضافات، میرزاجعفر مستوفی عراق، سراج السلطان، عاصم السلطنه، اعتضاد لشکر، فرمان محمد علی میرزا به حاجی میر مناف تبریزی را شامل می‌شود. این اسناد را دوست و همکار گرامی جناب آقای صادق حضرتی آشتیانی سند پژوه و فهرست نگار با طیب خاطر و گشاده دستی در اختیار م قرار داد که از ایشان سپاسگزارم.

در حیات سیاسی ویژه دارم از سرکار خانم اسلامی که ویراستاری مقدمه را با حس مشناه زیاد پذیرفت همواره خود را رهین بزرگواری ایشان میدانم، همچنین مدیریت محترم انتشارات سفیر اردهال جناب مهندس سید حسین عابدینی که انتشار این مجموعه کتابهای اسنادی را با روی باز پذیرفت، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌نماید. امید آنکه این اثر در شناسایی تاریخچه تجارت استان مرکزی راه گشای و در آینه فرهیختگانی با اسنادی از سایر مناطق این راه را ادامه و موارثت مسوول گذشتگان را برای آیندگان پاسداری و حفظ نمایم.

فروردین ۱۳۹۰

اسداله عبدلی آشتیانی